

بوستان سعدی

با شرح اشعار و حواشی

نگارش حضرت استاد محمد علی ناصح

رئیس فقید انجمن ادبی ایران

پوشش دکتر خلیل خلیب بهبه

استاد دانشگاه تهران



دیباجه

بنام خداوند بخشنده مهربان

دیباجه نگاری و مقدمه نویسی بر کتاب مستطاب «بوستان» که ، بی ادنی شک و ریب ، یکی از آثار ابدی و جاویدان ادبی ایران و یکی از امهات بدایع با نام و نشان ادبیات جهانست و گریز زدن بمجاری احوال شیخ اجل سعدی شیرازی ، نابه‌قرن هفتم هجری، مانندنظم و نثر خود او کاری سهل و ممتنع است : سهل است، زیرا در اقلیم پارسی زبانان ، کسی نیست که چهره آشنای این خداوند گاریکنا و بی همتای زبان نغز دری و سلطان عزیز القدر و عظیم الشان نظم و نثر شیورین پارسی را نشناسد و با جلوه‌های دلآویز و طرب انگیز فکر بلند و قریحه ارجمند و احساس لطیف و طبع ظریف او و ریزه کاریها و نادره- پردازیهای بازیگران چیره دست و میناگران طرفه کار درون شوریده و خاطر آشفته اش بیگانه باشد و به آثار دربار او ، از کودکی تا بزرگی، بروزان شبان ، رطب اللسان و طیب البیان نباشد . ممتنع است، از آنرو که در این باب آنچه گویند و نویسند، دانه‌ای

ایرانست که دیگر نمیتوان آندو را بعنوان دو کتاب آیت بزرگ فصاحت بشمار آورد که مبتدیان را بکار آید و منتهیان را بلاغت افزایش دهد، بلکه در طی قرون و اعصار، بواسطه رسوخ ممتد و نفوذ عمیق نثر و نظم و لفظ و معنی و کنایه و استعاره و تشبیه و تمثیل آن دو، در سویدای دلها و ثبت و ضبط نقش و نگار چهره پردازیهای اصیل و جمیل آنها بر لوح خاطرها، امروز بگونه معلوم و مآثر قومی و رسوم سنن ملی و شعار و دثار اجتماعی ایرانیان درآمده و نزد همه کسانی که باین آب و خاک پاک و زبان و فرهنگ تابناک آن، از ژرفای دل و جان و بن دندان، ارادت دارند و عشق میورزند معزز و محترم و مکرم و معظم است. همه گویند و سخن گفتن سعدی دگرست.

در کمتر خانه‌ای از مردم این مرز و بوم است که گلستان و بوستان، مصحوب قرآن کریم و فرقان عظیم، کتاب بزرگ دین پاک و همدوش آینه و چراغ و شمعدان، یعنی خمیرمایه کانون گرم روشن خانواده‌های ایرانی نبوده و بر طاق و رواق ایوان و شبستان جای نداشته باشد و آنرا نشان خیر و صلاح و نجات و فلاح بشمار نیاورند. غول بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند طی قرن‌ها که از عمر قوم ایرانی میگردد، کودک هر خانواده، پسر یا دختر همینکه بمکتب میرود و خواندن و نوشتن را میآموزد نخست بدیباچه کلام معجز نظام گلستان زبان میگشاید و چنین میخواند: «منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و بشکر اندرش مزید نعمت، هر نفسی که فرو میرود ممد حیانت و چون بر میآید مفرح ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود و بر هر نعمتی